

تحلیل مضمون الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت و کاربرد آن در معماری الگوی بومی توسعه‌ی روستایی

محمد رضا رضوانی

دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران

چکیده

تجربه‌ی برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی کشور در هفت دهه‌ی گذشته نشان‌دهنده‌ی موفقیت اندک برنامه‌ها در توسعه‌ی مناطق روستایی است که بخشی از این ضعف به دلیل فقدان الگوی مناسب در این زمینه است؛ بنابراین طراحی الگوی بومی برای توسعه‌ی روستایی ضروری است. در این راستا، الگوی اولیه و پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت که توسط مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به عنوان یک سند کلان تهیه شده و در مهرماه ۱۳۹۷ جهت ارائه‌ی نظرات مشورتی و بررسی عمیق ابعاد مختلف سند توسط نهادها، مراکز علمی، نخبگان و صاحب‌نظران ارائه شده است، با روش تحلیل مضمون مورد کنکاش قرار می‌گیرد تا مفاهیم و مؤلفه‌های آن برای معماری الگوی بومی توسعه‌ی روستایی مورد بررسی و استفاده قرار گیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت شامل مجموعه‌ای از مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق (سال ۱۴۴۴) و تدابیر (۵۶ تدبیر) و در مجموع شامل ۱۰ صفحه و ۲۸۰۷ کلمه است. همچنین در این الگو هرچند واژه‌ی روستا به طور مشخص وجود ندارد، کارکردهای نواحی روستایی شامل تولید مواد غذایی، گردشگری، منابع طبیعی، آب، استقرار جمعیت به طور مشخص دیده می‌شود. تحلیل مضمون الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت نشان‌دهنده‌ی ۲۵۳ کد اولیه، ۳۵ مضمون سیاسی و امنیتی، اقتصادی، و فرهنگی است. در مجموع هرچند در الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت تهیه‌شده به عنوان یک الگو نارسایی‌های جدی به لحاظ ساختاری و محتوایی وجود دارد، ولی مضامین موجود در این الگو شامل عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، نظارت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، قانون‌مداری، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی، نهاد خانواده، پایداری منابع و محیط‌زیست، سلامت، آموزش، سرمایه‌ی



انسانی، دانش و فناوری، تحقیق و پژوهش، آینده‌پژوهی، عدالت اقتصادی، رفاه اقتصادی، هویت ملی، سرمایه‌های فرهنگی، اخلاق، ارزش‌ها، استقلال، عدالت سیاسی، وحدت اسلامی، ثبات سیاسی، امنیت ملی، و معنویت می‌تواند به‌عنوان مفاهیم و مؤلفه‌های مناسب به‌تناسب در معماری الگوی بومی توسعه و پیشرفت روستایی و به‌ویژه در تنظیم اصول، چارچوب و فرایند این الگو مورد استفاده و استناد قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تحلیل مضمون، توسعه‌ی روستایی، الگوی بومی

مقدمه

اندکی بیش از نیم قرن است که «توسعه» به‌مثابه‌ی یک هدف استراتژیک در دستور کار اغلب دولت‌ها قرار گرفته است، اما به دلیل تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع، همه‌ی آن‌ها به یک حد از مواهب توسعه برخورداری نکرده‌اند، به طوری که از این منظر کشورها را به دو گروه در حال توسعه و توسعه‌یافته تقسیم‌بندی می‌کنند. ایران که هم‌زمان با اغلب کشورهای جهان با تدوین و اجرای برنامه‌های میان‌مدت عمرانی، در مسیر توسعه گام برداشته است، هنوز در زمره‌ی کشورهای در حال توسعه قرار دارد. این در حالی است که برخی از جوامع، همچون کشورهای آسیای جنوب شرقی که قدمت برنامه‌ریزی توسعه در آن‌ها به مراتب کمتر از ایران بوده، از منظر شاخصه‌ای توسعه در مراتب بهتری قرار گرفته‌اند.

در همین راستا، تجربه‌ی برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی کشور در هفت دهه‌ی گذشته نشان‌دهنده‌ی موفقیت اندک برنامه‌ها در توسعه‌ی مناطق روستایی است. بخشی از این ضعف به دلیل فقدان الگوی مناسب در این زمینه است؛ بنابراین طراحی الگوی مناسب و بومی برای توسعه‌ی روستایی ضروری است.

از طرف دیگر توسعه‌ی روستایی در کشور با توجه به اهمیت و ابعاد زندگی و جامعه‌ی روستایی، می‌تواند نقش مهمی در تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت داشته باشد. جامعه‌ی روستایی با داشتن ۲۵ درصد جمعیت و حدود ۸۰ درصد عرصه‌های طبیعی کشور و نیز کارکردهای مهم در تولید مواد غذایی و مواد اولیه‌ی صنعتی و معدنی، و عرصه‌های طبیعت‌گردی و گردشگری، جایگاه مهمی در توسعه‌ی کشور دارد و بستر مناسبی برای تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است (رضوانی، ۱۳۹۰).

سه سال پس از آنکه ایده‌ی تدوین الگوی پیشرفت با مختصات اسلامی و ایرانی توسط رهبر معظم انقلاب مطرح شد، با هدف تمرکز امور مربوط به تدوین الگو، مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در سال ۱۳۹۰ تأسیس شد. ثمره‌ی هفت سال تلاش و تولیدات مکتوب و نشست‌های متعدد ۱۳ اندیشکده‌ی این مرکز در مهرماه ۱۳۹۷ تحت عنوان سند الگوی پایه، به همراه نامه‌ی فراخوان رهبری جهت اصلاح و تکمیل آن منتشر شد؛ سندی که قرار است پس از اصلاح توسط نهادها، مراکز علمی، نخبگان و صاحب‌نظران و ابلاغ نهایی، نقشه‌ی راه سیاست‌های ۵۰ سال آتی کشور را ترسیم کند. مفاد سند الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت به شرح زیر است.

❖ **مبانی:** شامل خداشناسی، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ارزش‌شناسی و دین‌شناسی.

❖ **آرمان‌ها:** شامل معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و هم‌زیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله‌ی مقتدرانه با دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، و امنیت و فراوانی (شامل ۱۹ مورد).

❖ **رسالت:** شامل حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران.

❖ **افق:** سال ۱۴۴۴ هجری شمسی.

❖ **تدابیر:** شامل ۵۶ تدبیر در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی.

فرایند کلی تهیه‌ی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شامل دو فرایند محتوایی و فرایند مدیریتی بوده است. در فرایند محتوایی ابتدا تمرکز بر مفهوم‌شناسی صورت گرفت؛ در قدم دوم، نقشه‌ی راه، اعم از محتوایی و مدیریتی، برای دستیابی به الگو تدوین گردید؛ و در گام سوم، بر اساس مفهوم‌شناسی انجام‌شده و نقشه‌ی راه تدوین‌شده، پیش‌نویس اول الگو تدوین شد. سپس طی همایشی پیش‌نویس مذکور به استحضار نخبگان رسید و پس از دریافت نظرها و جمع‌بندی آن‌ها، پیش‌نویس دیگری از الگوی پیشرفت تهیه گردید. این فرایند یک بار دیگر نیز تکرار شد و سند حاضر نتیجه‌ی این رفت و برگشت است.

در کنار این فرایند محتوایی، فرایند مدیریتی نیز پیش‌بینی گردید. در رأس این هرم، شورای مرکزی قرار داشت که منصوب از سوی مقام معظم رهبری بودند. ذیل این شورا، شورای



تلفیق تشکیل شد و ذیل شورای تلفیق، اندیشکده‌ها شکل گرفتند. خروجی این اندیشکده‌ها - که متشکل از اساتید برجسته‌ی دانشگاه‌ها بودند - و همایش‌هایی که سالانه برگزار می‌شد، مجاری و بسترهای ورودی محتوا را تشکیل می‌دادند. این همایش‌های سالانه در دو محور اساتید و دانشجویان برگزار می‌شد و خروجی آن در اختیار اندیشکده‌ها قرار می‌گرفت و نتایج پس از جمع‌بندی‌های لازم به شورای تلفیق، و از شورای تلفیق به شورای مرکزی ابلاغ می‌شد. لذا به نظر می‌رسد که فرایند طراحی این سند فرایندی در مجموع حساب‌شده بوده است. بنابراین نقد و ارزیابی این الگو به منظور شناسایی مؤلفه‌های مناسب برای استفاده در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی (بومی) توسعه‌ی روستایی ضروری است. تحلیل و ارزیابی الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت به منظور استفاده از آن در تدوین الگوی بومی توسعه‌ی روستایی در کشور است.

هدف این پژوهش تحلیل مضمون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به منظور شناسایی مفاهیم و مؤلفه‌های مناسب موجود در آن برای تدوین الگوی بومی توسعه‌ی روستایی در کشور است. یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی، تحلیل مضمون است که به طور گسترده‌ای استفاده می‌شود، اما به‌ندرت معرفی شده است. از تحلیل مضمون می‌توان به‌خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. تحلیل قالب مضامین و تحلیل شبکه‌ی مضامین نیز از ابزارهایی هستند که معمولاً در تحلیل مضمون به کار می‌روند. قالب مضامین فهرستی از مضامین را به صورت سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد.

مبانی نظری

درباره‌ی رابطه‌ی الگو و مدل باید گفت که اصطلاح انگلیسی «pattern» توسط جامعه‌شناسان فرانسوی به شکل «model» به کار گرفته می‌شود (روشه، ۱۳۷۹). و در بسیاری از موارد طبق نظر اکثر جامعه‌شناسان این دو واژه در یک معنی به کار گرفته می‌شود. اما برخی بین این دو تفاوت‌هایی قائل شده و معتقدند که واژه‌ی «model» کمی پیچیده‌تر از «pattern» است. واژه‌ی «pattern» بیشتر به ساخت روابط بین عناصر یک واقعیت توجه دارد و طرح ساده‌شده‌ای است که خطوط اساسی یک مجموعه‌ی اجتماعی و نسبت‌های موجود بین آن‌ها را مشخص می‌کند (مندراس، ۱۳۴۹).

الگو به دانشمند کمک می‌کند تا با برجسته کردن عناصر و ارتباط میان آن دسته از بخش‌هایی که آن‌ها را برای مطالعه مناسب‌تر می‌داند، مفهوم مورد نظرش را دقیق و روشن بیان کند. همچنین الگو به دانشمند کمک می‌کند تا عناصر و روابطی را که با موضوع ارتباط بیشتری دارند،

با دیگران در میان بگذارد. نتیجه آنکه الگو می تواند به نظریه ساز در پدید آوردن گزاره های نظری جدید نیز یاری رساند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

مدل ها یا الگوها می توانند دو نوع کارکرد توضیحی را که اساساً متفاوت هستند، انجام دهند. از یک سو، یک مدل می تواند توضیحی از یک بخش انتخاب شده از جهان (سیستم هدف) باشد، که بسته به طبیعت هدف، این گونه مدل ها یا مدل های پدیده ها هستند یا مدل های داده ها؛ از سوی دیگر، یک مدل می تواند یک نظریه را توضیح دهد، از این جهت که قوانین و اصول موضوعه ای آن را تفسیر نماید. این دو مانع الجمع نیستند؛ زیرا مدل های علمی می توانند هر دو کارکرد را در یک زمان داشته باشند (میرمعزی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

الگو باید حاوی مبانی، اهداف، راهبردها، خط مشی ها و نقشه ی راه باشد (مصباحی مقدم، ۱۳۹۰). در یک دسته بندی، الگو به چهار معنی نقشه ی راه، سرمشق، نظریه ی سیاستی، و مدل تعبیر شده است (الویری، ۱۳۹۵).

به طور کلی الگو مفهومی کلی و انتزاعی دارد و مفاهیم متعددی می توان برای آن ذکر کرد. لذا هر نظام سیاست گذاری بایستی روی آن توافقی مفهومی حاصل نماید و مطابق شرایط و انتظارات خود، مفهوم یا مفاهیمی را مد نظر قرار دهد (اشتریان، ۱۳۹۱).

پیشرفت^۱ در فرهنگ لغت معین به معنی «پیش رفتن، جلو رفتن، ترقی، ارتقا» آمده است. از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی^۲، آنچه پیشرفت هست، این است که ما از هر که و هر جور، همه ی دانش های مورد نیازمان را فراگیریم، این دانش را به مرحله ی عمل و کاربرد برسانیم، تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای اینکه دامنه ی علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی و تجربی انجام بدهیم، تا فناوری را به وجود آوریم یا فناوری جدید را تکمیل کنیم، تصحیح کنیم و انجام بدهیم (صداقت، ۱۳۹۷).

در زمینه ی طراحی الگو، الگو باید بر اساس منطق آسیب شناسی و ارائه ی راه برون رفت از بحران طراحی شود (رستموندی، ۱۳۸۳). طراحی الگو شامل حل مسائل، نوآوری یا تبدیل موقعیت های کمتر مطلوب به موقعیت های مرجع است. برای انجام طراحی آن ها اعتقاد دارند باید چند پرسش را مطرح ساخت که عناصر کدام هستند. چگونه کار می کنند و چرا. عملکرد آن ها چیست و چرا. آن ها در تعریف دیگر طراحی الگو را شامل ابداع و خلق فرایندها برای تغییر وضعیت موجود به مطلوب معرفی می کنند که دارای سه ویژگی به شرح زیر است:

1. Progress

۲. دیدار با دانشجویان، در تاریخ ۸۵/۸/۱۸



- واژه‌ی طراحی به فرایند اشاره دارد.
- فرایند در طراحی معطوف به هدف است.
- هدف طراحی، حل مسائل، برطرف ساختن نیازها، بهبود شرایط و یا ساخت محصول جدید و مفید است (افتخاری و بدری، ۱۳۹۱).
هر الگو دارای دو بخش شامل مبنای منطقی است که به تبیین ماهیت پدیده‌های مورد نظر که به تعریف مشخصی از مفاهیم الگو و مدل می‌انجامد، و مکانیسم الگو که شامل ساختار مفاهیم و نحوه‌ی ارتباط آن‌ها با یکدیگر است (پورفرد، ۱۳۹۳؛ به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۷۵).
مراد از بومی‌سازی کاربردی این است که در مطالعات حوزه‌ی علوم انسانی باید در جست‌وجوی چاره‌ی معضلات کشور ایران بود. لذا باید مبانی و نظریه‌های علوم انسانی رایج را در جهت راهکارهایی برای حل معضلات ملی و مسائل مبتلابه کشور استخدام کنند، یا در این حوزه‌ی معرفتی ناظر به نیازهای ملی و بومی تولید معرفت کنند؛ بومی‌سازی به هرکدام از دو معنا در جای خود سخن صحیحی است، ولی مستلزم اسلامی کردن یا تولید علوم انسانی دینی نیست. (سوادی، ۱۳۹۶).

ویژگی‌های جامعه‌ی آرمانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جامعه‌ی آرمانی در قانون اساسی، به‌ویژه با توجه به اصول دوم، سوم، چهل‌وسوم و پنجاهم، جامعه‌ای است برخوردار از

- ❖ استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ❖ آزادی به‌منزله‌ی عامل تحقق استقلال و استعداد‌های ملی
- ❖ وجود عدالت اجتماعی و نبودن فقر و محرومیت
- ❖ تأمین نیازهای انسانی در جریان رشد و تکامل وی
- ❖ بالندگی تولید و اشتغال کامل و مولد

همچنین برخی از اهدافی که در قانون اساسی برای جامعه‌ی آرمانی و توسعه‌یافته مورد تأکید قرار گرفته است، عبارت‌اند از استقلال، آزادی و نفی هرگونه استبداد، شکوفایی استعدادها، تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها، عدالت اجتماعی و اقتصادی، اشتغال کامل، خودکفایی، مشارکت، کارآمدی، حاکمیت قانون، اقتدار ملی، عزت ملی، وحدت ملی، اتحاد ملل اسلام، استحکام بنیان خانواده، محیط‌زیست سالم.

روش کار

به طور کلی روش‌های تحلیل کیفی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته روش‌هایی هستند که عمدتاً از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی نشئت می‌گیرند؛ مانند تحلیل محاوره و تحلیل پدیدارشناسی تفسیری که به کارگیری آن‌ها تنوع نسبتاً محدودی دارد. برخی از این روش‌ها نیز، مانند نظریه‌ی داده‌بنیاد از چارچوب نظری کلانی بهره می‌برد.

دسته‌ی دوم روش‌هایی است که اساساً مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی هستند و در طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری و معرفت‌شناسی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. تحلیل مضمون در این دسته جای می‌گیرد؛ از این رو ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل می‌توان از آن استفاده کرد (عابدی جعفری، حسن، ۱۳۹۰).

روش‌های کیفی بسیار متنوع و پیچیده هستند و تفاوت‌های بسیار جزئی و مختصری با هم دارند. تحلیل مضمون را می‌توان یکی از روش‌های بنیادین تحلیل کیفی در نظر گرفت که با سایر روش‌های تحلیل که به دنبال تشریح الگوهای داده‌های کیفی هستند - مانند روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، نظریه‌ی داده‌بنیاد، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا - فرق دارد.

تحلیل مضمون یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود.

تحلیل محتوا یکی دیگر از روش‌هایی است که می‌تواند جهت شناخت الگوهای داده‌های کیفی به کار رود و تا حدودی شبیه تحلیل مضمون است. با این حال، تحلیل محتوا بیشتر بر سطوح خردتر تمرکز دارد و غالباً فراوانی داده‌ها را نشان می‌دهد و امکان تحلیل کمی داده‌های کیفی را فراهم می‌کند. یکی از اشکالات تحلیل محتوا این است که یا معمولاً به بافت داده‌ها توجه نمی‌شود، یا بسیار کم توجه می‌شود و این امر باعث می‌شود از غنای داده‌ها به شدت کاسته شود. ولی در تحلیل مضمون، واحد تحلیل بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و به بافت داده‌ها و نکات ظریف آن‌ها بیشتر توجه می‌شود. همچنین، تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند. سپس از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود. در تحلیل مضمون می‌توان



از فراوانی نسبی مضامین برای مقایسه‌ی آن‌ها و تهیه‌ی ماتریس مضامین و ترسیم شبکه‌ی مضامین استفاده کرد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰).

تحلیل محتوای مضمونی یکی از روش‌های تحلیل محتواست که با تحلیل مضمون در شناخت مضامین مشترک داده‌ها، مشابهت دارد. اما پژوهشگر بر اساس معرفت‌شناسی عینیت‌گرا آن را به کار می‌گیرد. در تحلیل محتوای مضمونی، برخلاف تحلیل مضمون، از تفسیر در کمترین حد ممکن استفاده و صرفاً از آن برای نام‌گذاری و گروه‌بندی مضامین استفاده می‌شود. در تحلیل محتوای مضمونی به احساسات و افکار پژوهشگر درباره‌ی مضامین اعتنایی نمی‌شود. به همین دلیل پژوهشگر از هرگونه تفسیر و توضیح معانی مضامین پرهیز می‌کند و صرفاً در نتیجه‌گیری به طور خیلی مختصر مضامین را توضیح می‌دهد. به طور کلی تحلیل محتوای مضمونی بیشتر تحلیل توصیفی است؛ در حالی که تحلیل مضمون تحلیل تفسیری است (همانجا).

بنابراین تحلیل مضمون، برخلاف روش‌های کیفی فوق، به چارچوبی نظری که از قبل وجود داشته باشد وابسته نیست، و از آن می‌توان در چارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف استفاده کرد. همچنین تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود. البته به دلیل ماهیت تفسیری تحلیل مضمون باید به روایی و پایایی آن بیشتر توجه شود؛ این امر مستلزم به‌کارگیری کدگذاران مستقل است و باعث می‌شود تحلیل مضمون در مقایسه با سایر روش‌های کیفی دقت و زمان بیشتری طلب کند.

در تحقیق حاضر برای تحلیل و ارزیابی الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت از روش تحلیل مضمون استفاده شده است.

یافته‌ها

به لحاظ پارادایمی نقدهایی در بخش تدابیر این سند مطرح شده است که شامل نادیده انگاشتن مسئله‌ی تراحم‌ها و غفلت از چگونگی‌ها، بی‌توجهی به پایبند نبودن به تدابیر در سیاست‌گذاری، فهم ناصحیح از الگو، حرکت از حال به آینده به جای حرکت از آینده به «هر شیوه‌ی کنونی سیاست‌گذاری کشور به اکنون، غفلت از تجارب گذشته‌ی سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی، نادیده گرفتن نقش بروکراسی و نظام انگیزشی بروکرات‌ها، مسئله‌ی وابستگی به مسیر طی‌شده و دوره‌ی گذار و در نهایت غفلت از پویایی‌های الگو یعنی نظام پایش، اصلاح و ضمانت اجرای الگو» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸).

در الگوی پایه هرچند واژه‌ی روستا به طور مشخص وجود ندارد، کارکردهای نواحی روستایی شامل تولید موادغذایی، گردشگری، منابع طبیعی، آب، استقرار جمعیت به طور

مشخص دیده می‌شود. همان‌طور که در جدول شماره‌ی (۱) نشان داده شده است، تحلیل مضامین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شامل ۲۵۳ کد اولیه، ۳۵ مضامین فرعی، ۲۲ مضامین اصلی و ۶ مضامین سازمان‌دهنده است.

جدول ۱: تحلیل مضامین الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه	مضامین
۶	۲۲	۳۵	۲۵۳	تعداد

در زمینه‌ی توسعه روستایی، در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به طور مستقیم مضامین مشخصی شناسایی نشده است، ولی در حوزه‌ی پایدار منابع طبیعی و محیط‌زیست که زیربنای توسعه‌ی روستایی است، مضامینی شامل ۱۲ کد اولیه وجود دارد که در قالب مضامین محیط‌زیست و پایداری محیطی قابل سازمان‌دهی است (جدول ۲).



جدول ۲: کدهای باز و مضامین فرعی در حوزه‌ی پایداری منابع طبیعی و پایداری محیط‌زیست

مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری اولیه
پایداری محیطی	محیط‌زیست	<ul style="list-style-type: none"> ■ سلامت محیط‌زیست ■ پایداری منابع طبیعی، آب و انرژی ■ حداقل نابرابری فضایی ■ بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت ■ بهره‌برداری از منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی ■ توقف خام‌فروشی منابع طبیعی ■ مصرف آب، انرژی متناسب با ظرفیت حقوق و اخلاق زیستی ■ حفظ حقوق مالکیت عمومی بر منابع طبیعی و ثروت‌های ملی ■ رعایت ملاحظات زیست‌محیطی و بین‌نسلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی ■ کاهش شدت مصرف انرژی ■ متناسب‌سازی سهم تولید و مصرف انرژی از منابع انرژی پاک ■ استقرار متعادل جمعیت و توازن منطقه‌ای در پهنه‌ی سرزمین

در حوزه‌ی پیشرفت اجتماعی نیز مضامین فرعی شامل امنیت اجتماعی، نظارت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، قانون‌مداری، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی، عدالت اجتماعی، نهاد خانواده‌ی مطلوب، سلامت، بهداشت و درمان و آموزش وجود دارد که این مضامین در قالب مضامین اصلی امنیت اجتماعی، نظم اجتماعی، انسجام اجتماعی، عدالت و رفاه اجتماعی، در نهایت در قالب پیشرفت اجتماعی قابل سازمان‌دهی است (جدول ۳).

جدول ۳: تبدیل مضامین پایه‌ی اصلی و فرعی به مضامین سازمان‌دهنده در حوزه‌ی اجتماعی

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اصلی	مضامین فرعی
اجتماعی	امنیت اجتماعی	امنیت اجتماعی
	نظم اجتماعی	نظارت اجتماعی
		مسئولیت اجتماعی
		قانون مداری
	انسجام اجتماعی	مشارکت اجتماعی
		حمایت اجتماعی
	عدالت	عدالت اجتماعی
	رفاه اجتماعی	نهاد خانواده‌ی مطلوب
		سلامت، بهداشت و درمان
		آموزش

مأخذ: صداقت، ۱۳۹۷.

در حوزه‌ی فرهنگی مضامینی شامل هویت ملی، دین‌مداری، توحید، عدل، معاد، نبوت، امامت، ولایت‌مداری، معنویت، ارزش و اخلاق وجود دارد که در قالب پیشرفت فرهنگی - دینی قابل سازمان‌دهی هستند (جدول ۴).

جدول ۴: تبدیل مضامین پایه‌ی اصلی و فرعی به مضامین سازمان‌دهنده در حوزه‌ی فرهنگی - دینی

پیشرفت فرهنگی - دینی	استقلال فرهنگی	سرمایه‌های فرهنگی
		هویت ملی
	مذهب و اعتقادات	دین‌مداری
		توحید
		عدل
		معاد
		نبوت
		امامت
		ولایت‌مداری
	ارزش و اخلاق	معنویت
ارزش و اخلاق		

مأخذ: صداقت، ۱۳۹۷.

در حوزه‌ی علمی و فناوری که موتور حرکت پیشرفت در سایر حوزه‌هاست، مضامینی شامل استقلال علمی، سرمایه‌ی انسانی، دانش و فناوری، تحقیق و پژوهش و آینده‌پژوهی استخراج شده است (جدول ۵).

جدول ۵: تبدیل مضامین پایه‌ی اصلی و فرعی به مضامین سازمان‌دهنده در حوزه‌ی پیشرفت علمی

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اصلی	مضامین فرعی	
پیشرفت علمی	استقلال علمی	استقلال علمی	
	سرمایه‌ی انسانی	سرمایه‌ی انسانی	
	دانش و فناوری	دانش و فناوری	
	تحقیق و توسعه		تحقیق و پژوهش
			آینده‌پژوهی

در حوزه‌ی پیشرفت سیاسی پنج مضمون شامل استقلال سیاسی، عدالت سیاسی، وحدت اسلامی، ثبات سیاسی و امنیت ملی در الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت وجود دارد (جدول ۶).

جدول ۶: تبدیل مضامین پایه‌ی اصلی و فرعی به مضامین سازمان‌دهنده در حوزه‌ی پیشرفت سیاسی

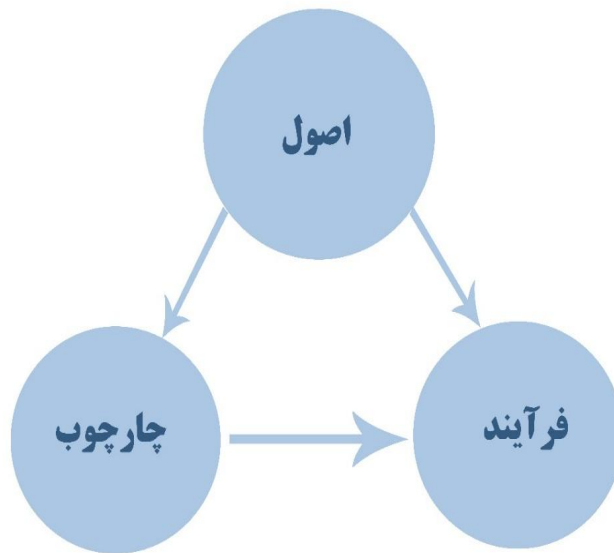
مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اصلی	مضامین فرعی
پیشرفت سیاسی	استقلال سیاسی	استقلال سیاسی
	عدالت سیاسی	عدالت سیاسی
	وحدت اسلامی	وحدت اسلامی
	ثبات سیاسی	ثبات سیاسی
	امنیت ملی	امنیت ملی

در حوزه‌ی اقتصادی سه مضمون استقلال اقتصادی، عدالت اقتصادی و رفاه اقتصادی در سند پایه وجود دارد که می‌تواند در قالب پیشرفت اجتماعی سازمان‌دهی شود (جدول ۷).

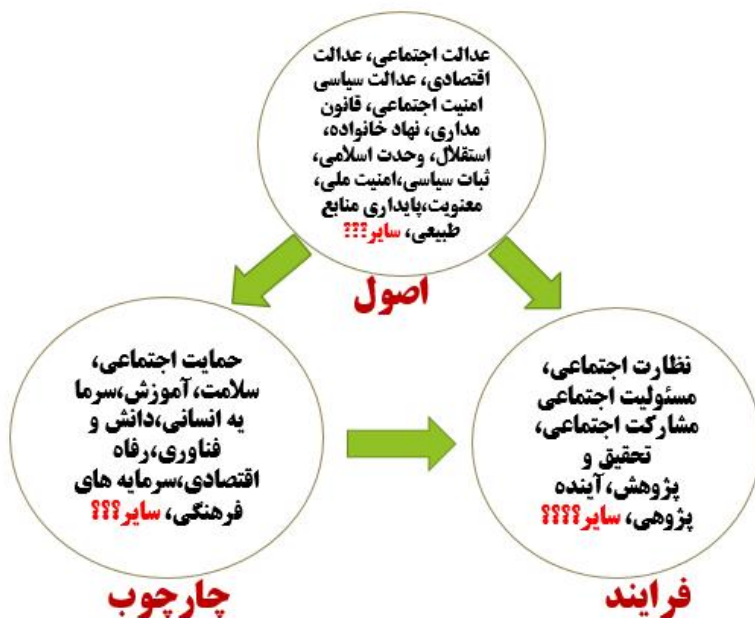
جدول ۷: تبدیل مضامین پایه‌ی اصلی و فرعی به مضامین سازمان‌دهنده در حوزه‌ی اقتصادی

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین اصلی	مضامین فرعی
اقتصادی	استقلال اقتصادی	استقلال اقتصادی
	عدالت اقتصادی	عدالت اقتصادی
	رفاه اقتصادی	رفاه اقتصادی

معماری الگوی اسلامی - ایرانی (بومی) پیشرفت و توسعه‌ی روستایی شامل مجموعه‌ای از اصول، چارچوب و فرایند است. اصول شامل مبانی و زیربنای فکری، فلسفی، و تجربی معماری الگوست. چارچوب شامل مجموعه‌ای از عوامل و عناصر زیربنایی و ترتیبات سازمانی و نهادی برای طراحی، اجرا و نظارت است. این عناصر شامل مأموریت‌ها، اهداف، راهبردها، سیاست‌ها، و نیز ترتیبات سازمانی و نهادی لازم است. فرایند نیز شامل کاربرد سیاست‌ها، اقدامات و فعالیت‌ها در زمینه‌های ارتباطی، مشاوره‌ای، زمینه‌سازی و تحلیل، سنجش و ارزیابی و نظارت است.



شکل ۱: ابعاد اصلی معماری الگوی بومی توسعه‌ی روستایی



شکل ۲ - مؤلفه‌های اصلی هریک از ابعاد اصلی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

نتیجه‌گیری

این واقعیت که پس از تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله در دهه‌ی سوم حیات جمهوری اسلامی، سیاست‌گذاران عالی کشور در چهارمین دهه دست به کار تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی شده‌اند، خود گویای بلوغ تدریجی نظام حکمرانی به شمار می‌رود.

ضعف‌های صوری به معنای ناسازگاری منطقی یا ابهام در برخی بخش‌های سند یا غفلت از مسائل مهمی در گستره‌ی الگوی پیشرفت است. از سوی دیگر ضعف‌های محتوایی ناظر به محتوای بندهایی است که در سند مندرج است.

به لحاظ فرایند تهیه‌ی سند، عدم استفاده‌ی کافی از ظرفیت‌های علمی موجود در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها در فرایند نگارش سند، عدم ارتباط لازم بین گروه تنظیم‌کننده‌ی مبانی، آرمان و افق با گروه تنظیم‌کننده‌ی تدابیر، و تنظیم‌کنندگان نهایی سند از جمله‌ی این موارد است.

در زمینه‌ی محتوا، عدم استناد الگو به یک نظریه‌ی مشخص در پیشرفت اسلامی، ابهام در زمینه‌ی تلقی نگارندگان سند از الگوی پیشرفت، نامشخص بودن منطق تنظیم الگو، نامشخص

بودن ارتباط و اولویت‌ها بین اجزای درونی هریک از بندهای سند، مبهم بودن وجه ایرانیت در تنظیم سند، و ابهام در خصوص توجه به رقابت تمدنی بین اسلام و غرب از این نمونه‌هاست. صرف اینکه الگویی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و در مقایسه با الگوی دیگر عناصر بیشتری دارد، به معنای پیشرفته‌تر بودن آن نیست. الگو باید در چهارچوب هدف‌ها و مقاصدش ارزیابی شود تا میزان مفید و سودبخش بودن آن مشخص شود. همان‌طور که بیان شد، یک الگوی سودمند برای پاسخ به مسئله‌ی علت‌ها و معلول‌ها باید مطالعات موردی متعدد و مرتبط با یکدیگر را پشت سر بگذارد و شرایط زمانی و مکانی مختلف را که در آن گزاره‌های نظری کلی استخراج می‌شوند، در نظر بگیرد. برای استخراج گزاره‌های نظری ناگزیر باید دشواری‌ها را پشت سر نهاد. ساخت الگوهای سودمند و استخراج گزاره‌های نظری کار دشواری است؛ اما طرح‌ریزی بر اساس الگوهای موجود دشواری‌های کمتری دارد و می‌تواند راه خوبی در توسعه‌ی الگوهای پیشین و ایجاد الگوهای جدید باشد (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

در نتیجه الگوی مورد نظر باید مسئله‌ی اصلی ما را هدف قرار دهد، جامع و فراگیر باشد، منطبق با شرایط موجود طراحی شود، مورد تأیید کارشناسان جامعه‌ی دینی و علمی باشد، دارای سازگاری درونی و بیرونی (نامتناقض) باشد، و صرفه‌جو (در توضیحات، پیش‌فرض‌ها، مؤلفه‌ها، تغییرها و مفاهیم) و کاربردی باشد.

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز در حوزه‌ی توسعه‌ی روستایی باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شود که بتواند در تحقق اهداف زیر موفق باشد.

❖ ضمن رفع بی‌عدالتی فضایی و تبعیض شهر و روستا، توازن و تعادل را بین زندگی شهری و روستایی فراهم نماید.

❖ فقر روستایی در ابعاد مختلف (از جمله زیرساختی، ارتباطی، آموزشی، اقتصادی و مانند آن) را که زمینه‌ساز تمامی مشکلات و آسیب‌هاست، ریشه‌کن کند.

❖ محیط‌زیست که سرمایه‌ی آینده است، محفوظ بماند.

❖ فرهنگ غنی و هویت روستایی حفظ شود.

❖ ساختار کالبدی و معماری بومی حفظ شود.

❖ تولیدات کشاورزی برای تحقق امنیت غذایی استمرار یابد و زمینه‌ی خوداتکایی فراهم شود.

❖ زمینه‌های اشتغال در مناطق روستایی فراهم شود.

❖ زمینه‌های تثبیت جمعیت در روستا و کاهش مهاجرت‌های روستایی - شهری فراهم شود.



الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌تواند در تدوین الگوی بومی توسعه‌ی روستایی و در تنظیم معماری این الگو (اصول، چارچوب و فرایند) راهنما باشد و مورد استفاده قرار گیرد. در صورت تکمیل این الگو و دارا بودن مشخصات الگو، می‌تواند در چگونگی طرح مسئله‌ی توسعه‌ی روستایی، ارزیابی وضع موجود، تدوین شاخص‌های توسعه، تدوین چشم‌انداز توسعه‌ی روستایی، تدوین اهداف، ارائه‌ی راهبردها و سیاست‌های توسعه و در نهایت طراحی فعالیت‌ها و اقدامات اجرایی توسعه‌ی روستایی مورد استفاده قرار گیرد.

در مجموع هرچند در الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت تهیه‌شده به عنوان یک الگو نارسایی‌هایی وجود دارد، ولی مفاهیم و مؤلفه‌های موجود در این الگو می‌تواند برای طراحی الگوی (معماری) بومی توسعه‌ی روستایی مورد استفاده قرار گیرد.

برای تنظیم معماری الگوی بومی توسعه‌ی روستایی و تدوین اصول، چارچوب و فرایند آن، مفاهیم و مؤلفه‌های شناسایی‌شده در الگوی پایه‌ی اسلامی - ایرانی پیشرفت کافی نیست و لازم است در سطح تفصیلی‌تری، مفاهیم و مؤلفه‌های دیگری نیز شناسایی و ارائه شود. البته بسیاری این مبانی، مفاهیم و مؤلفه‌ها قبلاً نیز معرفی شده و حتی در برنامه‌های توسعه‌ی کشور به طور عام و برنامه‌های توسعه‌ی روستایی به طور خاص نیز کم‌وبیش مطرح شده است. این مبانی، مفاهیم و مؤلفه‌ها عمدتاً عملیاتی و اجرایی نشده، که دلیل آن تنگناهای اجرایی و به‌ویژه مشکلات مربوط به مدیریت اجرایی برنامه‌ها و طرح‌ها بوده است. در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ی روستایی تاکنون به تناسب بیشتر به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی پرداخته شده و به ابعاد فرهنگی توجه چندانی نشده است. بنابراین توجه به ابعاد و ملاحظات فرهنگی در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ی روستایی بسیار ضروری است و می‌تواند در تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه‌ی توسعه‌ی روستایی نقش مهمی داشته باشد.

منابع

- اشتریان، کیومرث، «التقاط ولایت مطلقه و مدیریت استراتژیک؛ از نسبت سیاست‌گذاری و فلسفه‌ی وجودی دولت‌ها تا مسائل سیاست‌گذاری در ایران»، مجله‌ی سوره‌ی اندیشه، شماره‌ی ۶۰ و ۶۱، صص ۱۱۵-۱۰۸، ۱۳۹۱
- افتخاری، عبدالرضا و همکاران، «بنیان‌های نظریه‌ای طرح روستای نمونه»، استاندارد، گیلان، ۱۳۹۱
- الویری، محسن؛ غفاری‌پور، یونس، «درآمدی بر ظرفیت‌سنجی تمدنی آیات فقهی قرآن»، مجله‌ی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره‌ی ۲۴، صص ۳۴-۷، ۱۳۹۵

- پورفرد، محسن، «الگوی اسلامی پیشرفت ایران و مالزی؛ اشتراک‌ها و اختلاف‌ها»، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴/۱/۱۷.
- دهقانی، مرضیه و همکاران، «واکاوی الگوی مفهومی در حوزه‌ی برنامه‌ی درسی: نقدی بر پژوهش‌های انجام‌شده با رویکرد طراحی الگو در برنامه‌ی درسی»، پژوهش‌نامه‌ی مبانی تعلیم و تربیت، شماره‌ی ۱ (۱)، صص ۱۲۹-۹۹، ۱۳۹۰.
- خاندوزی، سید احسان، «ارزیابی سند پایه‌ی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸.
- رستم‌وندی، تقی، «تحول اندیشه‌ی ایرانشهری پس از ورود اسلام به ایران (با اتکا به آرای فردوسی، خواجه نظام‌الملک طوسی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی)، رساله‌ی دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.
- رضوانی، محمدرضا، برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ایران، انتشارات قومس، تهران: ۱۳۹۰.
- سواد، علی‌اصغر، «رائه‌ی الگوی بومی (ایرانی - اسلامی) مدیریت روستایی (مطالعه موردی: استان مازندران)»، رساله‌ی دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۶.
- صداقت، مریم، «مدل توسعه‌ی پایدار گردشگری در جهت تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، رساله‌ی دکتری مدیریت گردشگری دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۷.
- عابدی جعفری حسن و همکاران، «تحلیل مضمون و شبکه‌ی مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه‌ی مدیریت راهبردی (اندیشه‌ی مدیریت)، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲ (پیاپی ۱۰)، صص ۱۵۱-۱۹۸.
- مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، «الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، ۱۳۹۷.
- مصباحی‌مقدم، غلامرضا، گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، نخستین اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات پیام عدالت، تهران: ۱۳۹۰.
- مندارس، هانری، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی باقر پرهام، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۴۹.
- میرمعزی، سید حسین، «مفهوم «الگو» و «پیشرفت» در نظریه‌ی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، خبرگزاری تسنیم، ۲۲ دی‌ماه ۱۳۹۳.